

مدیریت بحران فدراسیون روسیه در مسئله اوکراین

محمد رضا مجیدی*

دانشیار مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

محمد جواد فتحی

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

محمد تقی جهانبخش

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۸/۲۳)

چکیده

روسیه در دوره پسا شوروی تلاش کرده است تا منطقه حائل خود با جهان بیرون را با عنوان خارج نزدیک مفهوم‌سازی کند. در میان کشورهای این منطقه اوکراین به دلیل نزدیکی‌های تاریخی و فرهنگی فراوان، جایگاه ویژه‌ای دارد. از این رو، مسائل امنیتی و سیاسی این حوزه برای فدراسیون روسیه اهمیت دارد. اوکراین از سال ۲۰۱۳ با بحرانی فرسایشی روبه‌رو شده و این مهم به صورت خودکار و بی‌درنگ واکنش سخت روسیه برای مدیریت بحران را در پی داشته است. نوشتار پیش رو در پی پاسخ به این پرسش است که روسیه چگونه و با استفاده از چه فنون و ابزارهایی به مدیریت بحران اوکراین اقدام کرده است؟ پاسخ این پرسش این است که منطق رهیافت روسی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی حکایت از آن دارد که وقوع بحران در خارج نزدیک معمولاً واکنش سخت و نظامی روسیه را در پی داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که با توجه و اهمیت وضعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچر اوکراین، روسیه با بهره‌گیری از مجموعه اهرم‌های سخت‌افزاری همچون تهاجم نظامی به شبه جزیره کریمه، فرستادن یگان‌های ارتش به شرق اوکراین، تحویل محموله‌های تسلیحاتی فوق سنگین نظامی به مخالفان اوکراینی و اهرم‌های تکمیلی نرم‌افزاری مانند برگزاری نشست‌های سیاسی - دیپلماتیک ژنو و مینسک یک و دو، تحریم انرژی رقباتی اروپایی و تلاش‌های تبلیغی و رسانه‌ها، بحران اوکراین را مدیریت کرده است.

کلیدواژه‌ها

اوکراین، خارج نزدیک، رویکرد تهاجمی، فدراسیون روسیه، مدیریت بحران.

* Email: mmajidi@ut.ac.ir

مقدمه

بحران هم‌زاد بشر بوده است و تاریخی به طول سرگذشت بشریت دارد که از ابتدای خلقت نوع انسانی رقابتی مستمر بین آن‌ها برای رسیدن به هدف‌های خود و دست‌اندازی بر سرزمین‌های منافع محور برقرار بوده است. بحران‌های زیادی در گوشه و کنار کره خاکی روی داده است که از یک سو منجر به درگیری‌های فرسایشی و ریخته‌شدن خون‌های زیادی شده است و از سوی دیگر کشورها را به فکر ایجاد مدل‌ها و الگوهای برای کنترل اوضاع و مدیریت رخدادها انداخته است. مدیریت بحران یکی از مهم‌ترین مسائل در گستره سیاست خارجی کنشگران بین‌المللی به حساب می‌آید. کشورها برای انجام این مهم از ابزارها و فنون مختلفی بهره می‌برند. در واقع بر حسب اینکه بحران برای آن‌ها چه درجه‌ای اهمیت دارد و آیا در داخل مرزهای ملی یا در کشورهای هم‌جوار یا هم‌پیمانان، یا در مناطق جغرافیای دیگر، به وقوع پیوسته باشد، انواع راه‌ها و فنون مدیریت بحران‌ها از یکدیگر قابل تمییز است. در حقیقت هم‌جواری، موضوع مهمی در حوزه مدیریت بحران‌های بین‌المللی است. به سخنی کشورها معمولاً سرزمین‌های هم‌جوار خود را به‌عنوان عمق ژئوپلیتیکی خود در نظر می‌گیرند که خدشه به این گستره‌ها تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی آن‌ها است. به همین اعتبار معمولاً در بحران‌هایی که در حوزه حیاتی و امنیتی کشورها رخ می‌دهد، واکنش کشور مدیریت‌کننده سخت، شدید و به بیانی بیشتر از راه ابزارهای نظامی مبتنی بر قاعده زور یا تهدید به استفاده از آن خواهد بود. شایان توجه اینکه بحران اوکراین و اهمیت این کشور برای روسیه مصداق آشکار آنچه بیان شد است. به این صورت که امنیت این کشور و نبود اختلال در آنچه از طرف گروه‌های داخلی و چه به‌وسیله کنشگران خارجی سوم، با امنیت روسیه پیوندی استوار دارد و در واقع خطر لحظه‌ای و آنی است. بررسی رفتار روسیه در زمان بحران‌ها، گویای این است که هرگونه اختلال در کشورهای واقع در خارج نزدیک و حیاط‌خلوتش را با ابزارهای نظامی پاسخ داده خواهد شد و در این مورد هیچ‌گونه مماشاتی از سوی روسیه دیده نخواهد شد. این نوشتار در پی آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ دهد که روسیه چگونه و با استفاده از چه فنون و ابزارهایی به مدیریت بحران اوکراین اقدام کرده است؟ فرضیه پژوهش این است که منطق رهیافت روسی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی حکایت از آن دارد که فدراسیون روسیه در مواجهه با بحران‌های امنیتی منطقه خارج نزدیک معمولاً از قدرت سخت برای مدیریت بحران استفاده می‌کند که این مهم در طول بخش‌های چندگانه این نوشتار مورد توجه و دقت قرار می‌گیرد.

مبانی نظری و مفهومی: مدیریت بحران

مدیریت بحران به معنای هدایت کردن هدفمند جریان مسائل و تحولات به روندی قابل کنترل و انتظار برگشتن مسائل در اسرع وقت به شرایط قبل از بحران است. به سخن دیگر، مدیریت بحران، فرایندی برای پیشگیری از بحران و یا به حداقل رساندن اثرات زیان‌بار آن به هنگام وقوع است. برای انجام این فرایند باید بدترین وضعیت‌ها را برنامه‌ریزی و سپس روش‌هایی را برای اداره و حل موضوع جست‌وجو کرد (صلواتیان و روشندل اربطانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۳). مدیریت بحران شیوه‌ها و فنون مختلفی دارد. این تکنیک‌ها شامل گفت‌وگو از راه میانجیگری و فشارهای به‌دور از خشونت، تا اقدام‌های خشن نظامی است. بازیگران معمولاً بر حسب نوع بحران و با احتساب میزان توانایی‌های بالقوه و بالفعل، اهمیت بحران و گستره جغرافیایی که بحران در آن رخ داده، مجموعه راهکارهایی را با هدف مهار بحران به‌کار می‌گیرند (صلواتیان و روشندل اربطانی، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

به‌شکل کلی، فنون مدیریت بحران در سه محور نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و هوشمند طبقه‌بندی می‌شوند: فنون نرم‌افزاری شامل میانجیگری کشورها به‌صورت منفرد یا از راه سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، فشارهای غیرنظامی چون تحریم‌های اقتصادی، گفت‌وگوهای دیپلماتیک رسمی و غیررسمی دوجانبه و چندجانبه، تحریک اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی و تلاش‌های تبلیغی و رسانه‌ای است. فنون سخت‌افزاری شامل راه‌های خشونت‌آمیز مانند جنگ همه‌جانبه، برخوردهای کوچک و مداخله نظامی و تسلیح گروه‌های داخلی بوده و فنون مدیریت هوشمند بحران عبارت است از استفاده هم‌زمان از ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مانند مداخله‌های نظامی در کنار استفاده از کانال‌های دیپلماتیک چندجانبه و دوجانبه مسالمت‌آمیز. مسئله مهم‌تر در این مورد نوع مدیریت بحران ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای است. بررسی روندهای تاریخی حاکی از آن است که کشورها برای مدیریت بحران‌ها از روش‌های متفاوتی بهره گرفته‌اند و از گذشته تا به امروز این فنون با تفاوت‌های اندکی بر عرصه تصمیم‌گیری و اقدام این کنشگران حاکم بوده است.

به‌شکل کلی، چهار رهیافت مهم در مدیریت بحران‌های بین‌المللی قابل شناسایی است. نخستین رهیافت، رهیافت آمریکایی است. فن مدیریت بحران آمریکایی آمیزه‌ای از فنون امنیتی-نظامی و سیاسی است؛ از یک‌سو همواره ماهیتی سخت‌افزارانه و هژمونیک دارد و از سوی دیگر، به سیمایی نرم‌افزارانه آراسته است. به بیان دیگر، این رویکرد هرچند منطق زور و نظامیگری را فراموش نکرده است، اما چهره‌های نرم قدرت را نیز به خدمت گرفته است (مک‌کارتی، ۱۳۸۱: ۶). دومین رهیافت، رهیافت اروپایی است. مدیریت اروپایی بحران‌های بین‌المللی به‌دنبال به‌دست آوردن اعتبار بیشتر و استفاده از قدرت نرم و به‌دنبال نقش‌آفرینی

بیشتر در عرصه سیاست بین‌المللی است و برای ایفای یک نقش قدرتمند نرم‌افزاری در صحنه جهانی تلاش می‌کند. منطق آن بر همکاری بین دولتی اروپایی در قالب اتحادیه اروپا استوار است. در واقع ستون پایه‌های مدیریت اروپایی بحران‌های بین‌المللی بر همکاری‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی استوار بوده است. از این‌رو، می‌توان بیان داشت که سبک اتحادیه اروپا در مدیریت بحران مبتنی بر «چندجانبه‌گرایی مؤثر»^۱ بوده است (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۲). رویکرد چینی‌ها، محور سوم قابل بحث است. سبک و روش مدیریتی چینی‌ها تاکنون توانسته است تا بحران‌های مختلفی را در روابط بین‌الملل و منطقه‌ای مدیریت کند. رهبری حزب و دولت چین همواره مسائلی چون عادی‌سازی روابط، ثبات‌سازی^۲، سودمندی دوجانبه در مدیریت بحران‌های بین‌المللی را دنبال کرده است. این سبک از مدیریت بحران به دنبال چانه‌زنی است. چینی‌ها توسعه را در بستر امنیت بین‌المللی دنبال می‌کنند (Deng, 2006: 186-189).

آخرین رهیافت، رهیافت فدراسیون روسیه در مدیریت بحران‌های بین‌المللی است. روس‌ها نگاه منحصربه‌فردی در مورد بحران‌ها و شکل واکنش به آن دارند و به بحران‌ها به‌عنوان بازی با حاصل جمع صفر^۳ و برد- باخت می‌نگرند. راهبرد رفتار بین‌المللی روس‌ها از گذشته‌های دور تا به امروز بر این مبنا بوده است که می‌توان با داشتن کارت‌های برنده با قدرت در پشت میز گفت‌وگو قرار گرفت. مدیریت روسی بحران‌های بین‌المللی به‌محض مشاهده ضعف در امر چانه‌زنی برای به‌دست آوردن امتیازهای بیشتر به زور متوسل می‌شود و رفتار تهاجمی در پیش می‌گیرد. در این الگوی رفتاری، روسیه به‌عنوان قدرتی بزرگ در رسیدن به هدف‌های خود، به استفاده از تهدید و در نهایت زور اقدام می‌کند (میلر، ۱۳۷۶: ۴). هر چه طرف بحران به مرزهای روسیه نزدیک‌تر باشد، امکان حمله نظامی و واکنش سخت روسیه نیز بیشتر محتمل است؛ زیرا روسیه سرزمین‌های هم‌جوار را «خارج نزدیک»^۴ و «حیات‌خلوت»^۵ خود می‌داند، مداخله و ناآرامی در این منطقه را بر نمی‌تابد و چنانچه شرایط مهیا باشد، با تمام قدرت عکس‌العمل نشان می‌دهد (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۶).

در اینجا اشاره‌ای به فرایند تصمیم‌گیری در رهیافت مدیریت روسی بحران‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد. در این رابطه به‌شکل کلی دو رهیافت اساسی در برابر مدیریت بحران وجود دارد که عبارت‌اند از رهیافت‌های تک‌مرکزی و چندمرکزی^۶؛ رهیافت تک‌مرکز بیان می‌دارد که

1. Effective Multilateralism
2. Stabilization
3. The sum of zero
4. Near Abroad
5. Back Yard
6. Multi-Centers

مدیریت و پاسخ به شرایط بحران در دست یک قدرت مرکزی متمرکز و قدرتمند است. بر مبنای این رهیافت در زمان مدیریت بحران، قدرت در دست افراد محدودی قرار دارد که به اصطلاح «تیم مدیریت بحران»^۱ نامیده می‌شوند. در مقابل، رهیافت چندمرکز، رقابت را وسیله‌ای انکارناپذیر برای به‌کارگیری نظارت سالم و تعدیل تمرکز بالقوه قدرت تصمیم‌گیری معرفی می‌کند. رهیافت چندمرکز از خطرهای تفکر یک گروه مشخص می‌کاهد (مک‌کارتی، ۱۳۸۱: ۷۰-۶۹). شایان توجه اینکه، شواهد تاریخی گواه‌گرایش روسیه به رهیافت‌های تک‌مرکز بوده است. امروزه نیز در دوران روسیه جدید، شیوه تصمیم‌گیری نسبت به گذشته تغییر چندانی نکرده است و رئیس‌جمهور همراه با شورای عالی امنیت ملی تعیین‌کننده‌اند. با در نظر داشتن این چارچوب مفهومی، تلاش می‌شود تا ضمن بررسی اهمیت اوکراین در سیاست خارجی روسیه، ابعاد بحران این کشور مطرح و سرانجام مدیریت این رویداد به‌وسیله فدراسیون روسیه بررسی شود.

مدیریت بحران اوکراین به‌وسیله فدراسیون روسیه

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچر اوکراین و اهمیت آن برای روسیه، تحولات اخیر این کشور برای مسکو تهدیدی اساسی به‌شمار می‌رود و منافع تعریف‌شده حیاتی کرملین را در معرض خطر جدی قرار داده است. بنابراین روسیه برای مدیریت و مهار بحران در راستای تأمین منافع سنتی و برهم‌نخوردن توازن موجود تلاش می‌کند. در این راستا فدراسیون روسیه راهبردها و راهکارهایی به‌کار گرفته است که در این نوشتار به تحلیل آن پرداخته می‌شود.

الف) شیوه تهاجمی - نظامی بحران

نخستین روش مدیریت بحران به شیوه تهاجمی - نظامی است. توجه به اهمیت راهبردی کشورهای منطقه خارج نزدیک در کنار دیدگاه تاریخی و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی روسیه نسبت به اوکراین، این کشور را به به‌کارگرفتن روش‌های سخت وادار کرده است که مهم‌ترین تجلی آن پس از برکناری یانکوویچ و پیوستن شبه جزیره کریمه با زور رخ داد (Cecire, 2014: 1). شایان توجه اینکه رفتار تهاجمی روسیه در مورد بحران اوکراین و خودداری این کشور از احترام به تمامیت ارضی این کشور برخاسته از «شم^۲» ژئوپلیتیکی رهبران مسکو است (دهشیار، ۱۳۹۳ (ب): ۱۹۴).

برای شناخت دقیق‌تر مدیریت بحران اوکراین به‌وسیله روسیه اشاره‌ای مختصر به مراحل مختلف بحران برای فهم اینکه روسیه از چه مرحله‌ای دست به اقدام سخت‌افزاری زد،

1. The Crisis Management Team
2. Nature

ضروری به نظر می‌رسد. بحران اوکراین تاکنون سه مرحله را پشت سر گذاشته است: مرحله اول، از نوامبر ۲۰۱۳ تا فوریه ۲۰۱۴ پس از رد امضای توافق‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اروپا از سوی ویکتور یانکوویچ رئیس‌جمهوری پیشین، آغاز و با تظاهرات و اعتراض‌های گسترده در کی‌یف و دیگر شهرهای اوکراین همراه شد که در نهایت در ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ به خروج یانکوویچ از کی‌یف و به‌دنبال آن برپایی دولت موقت اوکراین انجامید. در مرحله دوم که از اواسط فوریه تا اواخر مارس ۲۰۱۴ به طول انجامید، بحران با اقدام روسیه در راستای مدیریت بحران و به‌دنبال پیوستن شبه جزیره کریمه، ماهیتی منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کرد که در جریان آن علاوه بر روسیه، اتحادیه اروپا و آمریکا به‌عنوان دو بازیگر غربی وارد عرصه شدند و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نیز اقدامات اولیه خود را برای مقابله با سیاست‌های روسیه آغاز کرد؛ اما مرحله سوم بحران که از ماه‌های آخر سال ۲۰۱۴ و اوایل سال ۲۰۱۵ شروع شد، مطرح‌شدن جدی بحث تجزیه‌طلبی و جدایی بخش‌های شرقی و جنوب شرقی از اوکراین و پیوستن آن به روسیه - بنابر طرح مدلی مشابه با پیوستن کریمه - است. اما مسئله مهم اینکه با سقوط یانکوویچ و پیوستن شبه جزیره کریمه بحث مدیریت بحران اوکراین به‌وسیله مسکو اهمیت پیدا می‌کند.

فرایند پیوستن شبه جزیره کریمه و مدیریت بحران روسیه بدین صورت بود که در جریان این بحران «سرگئی آکسینوف»^۱ در نشست اضطراری پارلمان کریمه به‌عنوان نخست‌وزیر «جمهوری کریمه»^۲ انتخاب شد. آکسینوف که به جناح هوادار روسیه تعلق دارد، بلافاصله اعلام کرد که دولت جدید اوکراین را غیرقانونی می‌داند و تمام نیروهای نظامی - امنیتی شبه جزیره فقط باید از دولت کریمه دستور بگیرند. وی همچنین از روسیه برای حفظ صلح و آرامش درخواست کمک کرد. در اول مارس ۲۰۱۴، پارلمان روسیه هم به ولادیمیر پوتین اجازه داد تا از نیروهای نظامی روسیه در اوکراین استفاده کند. روس‌ها پس از دستور پوتین، واحدهای توپخانه، واحدهای دفاع هوایی، هلیکوپترها، کشتی‌های جنگی و سربازان خود را برای پیوستن شبه جزیره به خاک خود، به حالت آماده‌باش درآوردند. در ۲۸ فوریه ۲۰۱۴، نیروهای نظامی ارتش روسیه ملقب به «مردان پنهان مسلح نقاب سبز»^۳، ایستگاه‌ها، فرودگاه‌ها و ساختمان‌های شهرهای سواستوپول^۴ و سیمفروپول^۵ را به تصرف خود درآوردند. اولکساندر تورچینوف^۶، رئیس‌جمهور موقت اوکراین، صدارت آکسینوف را بی‌اعتبار

1. Sergey Aksyonov
2. Republic of Crimea
3. Masked men armed hidden green
4. Sevastopol
5. Simferopol
6. Oleksandr Turchynov

و غیرقانونی خوانده و حضور نیروهای روسی را تجاوز مستقیم به خاک اوکراین اعلام کرد. اما وزیر خارجه روسیه اعلام کرده که تحرک‌های نظامی نیروی دریایی روسیه در دریای سیاه به شکل کامل مطابق با توافق‌نامه‌های اصولی میان مسکو و کی‌یف است (Norberg and Westerlund, 2014: 4).

مسئله آشکار، آمادگی قبلی نیروی‌های روسی برای مدیریت بحران اوکراین بود که از قبل تمرین‌های منظمی در این مورد انجام داده بودند. در طول این عملیات حدود دو هزار تفنگدار دریایی در اطراف و داخل بندر سواستوپل مستقر شده بودند. حدود هفت هزار نیروی ویژه در اول ماه مارس در کریمه مستقر شدند که بیشتر از راه خطوط هوایی انتقال یافتند. بیشتر نیروهای شرکت‌کننده در این عملیات از نیروهای باتجربه و حاضر در تهاجم سال ۲۰۰۸ به گرجستان بودند که توانایی و مهارت بسیار بالایی داشتند. واحدهایی هم که در خود کریمه پیاده شدند، از ماهرترین گروه‌های ضدتروریستی و عملیات ویژه به شمار می‌رفتند (Anton, 2014: 66). در ۶ مارس ۲۰۱۴ نمایندگان پارلمان شبه جزیره کریمه به اتفاق آرا به پیوستن به روسیه رأی دادند. پنج روز بعد اعلامیه استقلال کریمه و سواستوپل منتشر شد و در ۱۶ مارس یک همه‌پرسی از مردم کریمه برای پیوستن به روسیه برگزار شد که سرانجام ۹۳ درصد شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی به جدایی این شبه جزیره از اوکراین و پیوستن آن به روسیه رأی مثبت دادند. به دنبال آن پارلمان کریمه نیز رأی به استقلال و جدایی از کشور اوکراین را صادر کرد. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در ۱۸ مارس به شکل رسمی سند پیوستن کریمه به روسیه را امضا کرد و کریمه را جزء جدایی‌ناپذیر روسیه خواند.

البته می‌توان به عقب‌تر نیز برگشت. نکته درخور توجه در مورد کریمه اینکه، پیوستن این شبه جزیره باید رویداد بسیار مهمی از نظر تاریخی دانسته شود. برای نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی یکی از قدرت‌های بزرگ اروپایی با هدف مدیریت بحران، توانسته است که بخشی از کشوری را در قاره اروپا با وجود مخالفت شدید حاکمان آن سرزمین به خاک خود اضافه کند و با هیچ واکنش ملموسی از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، آمریکا و قدرت‌های غربی روبه‌رو نشود (دهشیر، ۱۳۹۳ (الف): ۸۵). روسیه در ۲۰۰ سال گذشته قدرت مسلط در کریمه بوده است. در سال ۱۷۸۳ این منطقه را به خاک خود ضمیمه کرد. با این حال، مسکو کریمه را در سال ۱۹۵۴ به اوکراین هدیه داد که در آن هنگام بخشی از اتحاد شوروی بود. روس‌ها این اتفاق را اشتباهی تاریخی تلقی کردند که اکنون زمان اصلاح آن رسیده بود و این مسئله را پوششی برای مدیریت بحران با استفاده از بهانه نظامی و جداکردن کریمه قرار دادند.

علاوه بر حضور در شبه جزیره کریمه واحدهایی از ارتش روسیه از مرزهای شرقی به خاک اوکراین وارد شدند و در کنار مخالفان به مبارزه علیه ارتش اوکراین اقدام کردند. هر چند روسیه این موضوع را شایعه‌ای از طرف دشمنان خود می‌پندارد، بنابر گزارش‌ها، از سال ۲۰۱۴ تاکنون ده هزار سرباز روس از مرزهای شرقی اوکراین برای مدیریت بحران عبور کرده‌اند و در اطراف شهرهای دونتسک، دبالتسک و لووف^۱ مستقر شده‌اند. انتشار خبری مبنی بر مجروح شدن یک سرباز ۲۰ ساله روسی در اطراف دونتسک و انتقال وی به روسیه خود گواهی بر حضور نیروهای روسی است (Gregory, 2015: 3). شایان توجه اینکه، مخالفان غربی روسیه، نظامیان این کشور در اوکراین را «ارتش پنهان»^۲ کرمین می‌نامند (Kostyuchenko, 2015: 3). این مسئله هشدار برای دولت جدید اوکراین و تحرکات کشورهای غربی به حساب می‌آید، مبنی بر اینکه به «آستانه تهدید»^۳ روسیه نزدیک نشوند و اگر به این موضوع توجه نکنند، روسیه حاضر است برای مدیریت بحران، قسمت‌های بیشتری از سرزمین اوکراین را تسخیر کند. پترو پوروشنکو^۴ نیز در حاشیه مجمع اقتصاد جهانی در داووس^۵ سوئیس بیان داشت که «ما از روسیه می‌خواهیم تا نیروهای خود را که تعداد آن‌ها بالغ بر نه هزار نفر است، (از اوکراین) خارج کند» (Baczynska, 2015).

ب) حمایت و تحریک اقلیت‌های روس‌زبان

دومین شیوه مدیریت بحران، حمایت و تحریک اقلیت‌های روس‌زبان در کنار حمایت مالی - تسلیحاتی آن‌ها بوده است. در بخش شرقی اوکراین اقلیت‌های روس‌زبان ساکن هستند که با روسیه پیوندهای گسترده‌ای دارند و همچنین - با تحریک روسیه - خواستار خودمختاری هستند. روسیه بعد از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ همواره از این مسئله به‌عنوان اهرمی تأثیرگذار یا به بیانی «کارت بازی»^۶ استفاده کرده است. بنابراین روسیه حمایت از مخالفان و جدایی طلبان را یکی از فنون مهم در مدیریت بحران می‌داند و به‌خوبی از آن بهره‌برداری می‌کند. روس‌ها برای مدیریت بحران تأکید زیادی بر اهرم حمایت، تحریک و تهییج^۷ روس‌گرایان ساکن شرق اوکراین داشته‌اند که موفق بوده است. چنانکه برخی از نیروهای مردمی و شبه‌نظامیان ساکن در شرق اوکراین که ساختمان‌های دولتی در دونتسک را تصرف کرده بودند، در پیام‌هایی ویدئویی از ولادیمیر پوتین می‌خواستند تا تلاش کند نیروهای حافظ

1. Deblatseve, Lviv, Donetsk
2. Hidden Army
3. Threshold threat
4. Petro Poroshenko
5. The World Economic Forum in Davos
6. Card Games
7. Stimulate and excitement

صلح به این منطقه فرستاده شوند. همچنین در ۲۲ مارس ۲۰۱۴، مخالفان دولت پروشنکو، رئیس جمهور جدید اوکراین، در تظاهراتی در دونتسک خواستار آن شدند که تا ۱۱ مه، همه پرسبی با هدف جدایی از کشور اوکراین برگزار شود (Grider, 2014: 2-3). همچنین طرفداران مسکو در شهر لوهانسک^۱ که پرچم‌های روسیه را در دست داشتند، پس از تصرف اماکن دولتی با سردادن شعارهایی خواهان برگزاری همه‌پرسی و پیوستن این ناحیه به روسیه شدند. در شهر خارکف و اودسا^۲، به‌عنوان شهرهای مهم شرقی اوکراین نیز تظاهراتی برای جدایی از اوکراین و پیوستن به روسیه برگزار شد (Grider, 2014: 1). شایان توجه اینکه، تحرک‌ها، شورش‌ها و عملیات مخالفان به‌شکل معمول سازماندهی شده و با برنامه بود و مخالفان بدون هدایت، حمایت و مشاوره‌های مقامات کرملین تا این حد نمی‌توانستند فضای منطقه شرق اوکراین را متشنج سازند و توازن را به ضرر ارتش مسلح و مجهز کی‌یف و به نفع خود دگرگون کنند. بنابراین می‌توان این فن را مکمل مدیریت بحران از راه شاخص اول دانست. بررسی اسناد نشان می‌دهد که روسیه تسلیحات نظامی خود شامل نفربرهای زره‌پوش و تانک‌های تی-۶۴، سامانه‌های پدافند هوایی قابل حمل، راکت‌اندازهای گراد، راکت‌اندازهای تورنادو و موشک‌های زمین به هوای بوک^۳ را در اختیار جدایی‌طلبان اوکراینی قرار داده است (Daalder and Others, 2015: 3).



نقشه ۶ - ۴، مناطق روس‌زبان و تحت نفوذ روسیه در اوکراین

منبع: <https://goo.gl/8yt5PQ>، (تاریخ دسترسی: ۱۳/۷/۱۳۹۴).

1. Luhansk
2. Kharkiv, odessa
3. Buk

ج) گفت‌وگوهای سیاسی - دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه

سومین رویکرد دولت روسیه انجام گفت‌وگوهای سیاسی - دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه برای مدیریت بحران بوده است. اتکای صرف بر یک مؤلفه - تأکید بر ابزارهای سخت یا نرم - برای مدیریت بحران‌های بین‌المللی نتایج چندان مناسبی را برای کشور مدیریت کننده به دست نمی‌دهد. ضمن اینکه این نوع مدیریت بحران به شکل معمول هزینه‌های سختی را در پی دارد و چنانچه همراه با نتیجه نیز باشد، نتایج به دست آمده پایدار نخواهند بود. البته در این میان مسئله‌ای وجود دارد و آن اینکه کشوری که می‌خواهد بحران را مدیریت کند، در تصمیم‌های خود بر یک مؤلفه تأکید می‌کند و تلاش می‌کند تا برای رسیدن به آن از سایر فنون نیز به فراخور شرایط بهره بگیرد.

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، روسیه برای مدیریت بحران اوکراین بر مؤلفه‌های سخت قدرت تأکید داشت. با این حال از مجراهای مسالمت‌آمیز و نرم‌افزاری دیپلماسی غفلت نکرد و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه را در دستور کار قرار داده است. از مهم‌ترین تلاش‌های دیپلماتیک روسیه برای مدیریت بحران اوکراین می‌توان به گفت‌وگوهای ژنو و مینسک^۱ اشاره کرد که هر یک در دو نوبت برگزار شدند.

۱. **گفت‌وگوهای ژنو یک و دو:** این گفت‌وگوها در ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ در ژنو سوئیس برگزار شد. هدف اصلی و اولیه این نشست، تلاش برای حل بحران میان شرق و غرب در نتیجه رویدادهای بحران اوکراین بود. نشست ژنو با حضور وزرای خارجه روسیه، آمریکا و اوکراین و نیز مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برگزار شد. در این نشست بر روی مواردی همچون خلع سلاح گروه‌های غیرنظامی، تخلیه سازمان‌های دولتی اشغال شده به وسیله مخالفان، عفو عمومی از سوی دولت اوکراین، تشریک مساعی سازمان امنیت و همکاری اروپا با هدف جلوگیری از گسترش تنش‌ها، رسیدگی به خواسته معترضان از سوی دولت اوکراین بحث و گفت‌وگو شد. دور دوم این گفت‌وگوها به صورت نشستی سه‌جانبه میان وزرای خارجه سه کشور آمریکا، روسیه و اوکراین، در ۲ مارس ۲۰۱۵ برگزار شد. لاوروف در این دیدار دولت اوکراین و حامیان اروپایی - آمریکایی آن را به نقض تعهدهای ژنو یک محکوم کرد و هشدار داد چنانچه دست از این سیاست خود بر ندارند، اوضاع در اوکراین غیرقابل کنترل و وخیم‌تر خواهد شد (Tran, 2015).

1. Minsk Talk

۲. **گفت‌وگوهای مینسک یک و دو:** کشورهای روسیه، اوکراین، آلمان و فرانسه گروهی موسوم به «گروه تماس»^۱ را با هدف گفت‌وگوها پیرامون بحران اوکراین در شهر مینسک پایتخت روسیه سفید تشکیل دادند. این گفت‌وگوها که به مینسک یک و دو معروف است بنا بر جدول زمانی با شرکت آنجلا مرکل، فرانسوا اولاند، پترو پروشنکو و ولادیمیر پوتین برگزار شد. پروشنکو، روسیه را به فرستادن نیرو به اوکراین متهم کرد و خبر داد که تا به حال تعدادی از سرباز روسیه در کارزار روسیه کشته شده‌اند. پوتین نیز این شایعات را یک «کمدی سیاسی»^۲ برشمرد و تأکید کرد که روسیه طرف جنگ نیست، بلکه کنشگران دیگر - منظور کشورهای غربی - را باید به‌عنوان طرف‌ها و بانیان اصلی جنگ دانست. بنا به عقیده پوتین: «روسیه هیچ وقت با یک ارتش ضعیف درگیر نخواهد شد» (Gregory, 2015: 1). توافق‌هایی از جمله برقراری آتش‌بس فوری در مناطق حساس همچون دونتسک و لوهانسک، عفو و آزادی تمامی زندانیان مرتبط با بحران جاری، تلاش برای خروج شبه نظامیان خارجی و خلع سلاح کردن گروه‌های غیرقانونی، ایجاد یک منطقه حائل غیرنظامی عاری از تسلیحات سنگین و توپخانه ارتش و استقلال طلبان، توزیع کمک‌های بشردوستانه در مناطق بحران‌زده و مردمی که نیازمند این کمک‌ها هستند، بنا بر یک سازوکار بین‌المللی منظم از جمله مهم‌ترین مفاد این دو نشست هستند (Weaver and Luhn, 2015).

د) بهره‌گیری از بهانه انرژی برای به‌کارگیری فشار بر کشورهای اروپایی

چهارمین رویکرد روسیه در مدیریت بحران اوکراین، استفاده از بهانه انرژی برای فشار بر کشورهای اروپایی و دولت اوکراین بوده است. خوداتکایی و بی‌نیازی نسبی یا به بیان بهتر وابستگی نداشتن به منابع انرژی نفت و گاز، کمک‌های خارجی و واردات محصولات راهبردی، برتری مهمی برای کشورها در روابط بین‌الملل است تا بتوانند به‌صورت مستقل سیاست‌های خود را در این عرصه به‌کار گیرند و دنبال کنند. کشورهای اروپایی و اوکراین به واردات نفت و گاز از روسیه به‌عنوان ابرقدرت در حوزه انرژی وابستگی زیادی دارند. آشکار است که این مهم از سویی سلاح سیاسی نیرومند و مناسبی در جریان رقابت‌های بین‌المللی و ابزاری برای روسیه با هدف چانه‌زنی از موضع برتر برای کنترل اوضاع بحرانی کی‌یف محسوب می‌شود و از سوی دیگر می‌تواند مانعی در مسیر تحرک زیاد کشورهای اروپایی علیه منافع روسیه و پیش راندن آن‌ها در جهت سیاست‌های مطلوب کرملین باشد. مسکو با آگاهی از اهمیت عنصر

1. Group Contact
2. Political Comedy

انرژی، در تحولات اوکراین از آن به‌عنوان مؤلفه تقویت و تکمیل‌کننده سایر اهرم‌ها بهره‌برداری کرده است.

روسیه حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد نفت و ۷۵ تا ۸۰ درصد گاز وارداتی اوکراین را تأمین می‌کند (Bertalan, 2014: 12). در تحولات جاری نیز هم‌زمان با سقوط دولت روس‌گرای یانوکویچ، مسکو فشار اقتصادی شدیدی به اوکراین وارد کرد و بهای فروش گاز طبیعی خود به این کشور را به‌شکل قابل توجهی افزایش داد. دمتری مدودیف، نخست وزیر روسیه اعلام کرد که این کشور تخفیفی را که اخیراً به دولت اوکراین در مورد صادرات گاز داده بود، لغو کرده است. مدودیف همچنین در ۶ دسامبر ۲۰۱۴ تأکید کرد که دولت موقت اوکراین باید ضمن پرداخت بدهی‌های خود در مورد صادرات گاز، از این پس گاز مورد نیاز خود را با قیمت جهانی از روسیه بخرد و دیگر تخفیف‌های ویژه شامل حال آن‌ها نمی‌شود. در واقع این اقدام روسیه، واکنشی به سیاست‌های دولت موقت اوکراین و همراهی آن با کشورهای غربی به‌ویژه اتحادیه اروپا بود (Lazarenko, 2015). شایان توجه اینکه مسکو از راه کنترل بر انرژی و صدور گاز، اهرم مناسبی برای زیر فشار قراردادن اوکراین و اروپا برای به‌کارگرفتن فشار برای تنظیم رفتار طرف مقابل در اختیار دارد تا جایی که «توماس فریدمن»^۱ گفته است «هم اکنون تأثیر لوله‌های گاز روسیه بر اروپا بسیار بیشتر از موشک‌های فوق پیشرفته این کشور است (Kempe, 2006: 51). در قرن جاری، روسیه بارها از راه قطع صدور گاز به تنبیه اوکراین و کشورهای اروپایی و مشتریان دیگر خود پرداخته است. برای نمونه، روسیه در سال ۱۹۹۱ انتقال گاز طبیعی به ترکمنستان را محدود ساخت تا پس از اختلاف‌هایی که بر سر قراردادها پیش آمده بود قیمت‌های بالاتری را به آن تحمیل کند. روسیه از آن زمان تاکنون دست‌کم در پنج نوبت دیگر در اختلاف‌هایی که در سال ۲۰۰۷ بر سر گاز طبیعی با روسیه سفید، گرجستان، مولداوی و اوکراین و در سال ۲۰۰۸ بر سر قیمت نفت با آلمان داشت به همین راهکار متوسل شده است (مصلى‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

ه) مدیریت رسانه‌ای بحران

آخرین ابزار شناسایی‌شده در رفتار روسیه برای مدیریت بحران اوکراین، مدیریت رسانه‌ای بحران است. در دنیای کنونی کم‌تر کسی در ارتباط استوار و تنگاتنگ رسانه‌ها با امنیت ملی و مدیریت بحران یا بحران‌سازی تردید می‌کند. بنابراین رسانه‌ها هم می‌توانند منبع و منشأ بسیاری از بحران‌ها در سطوح مختلف باشند و هم ابزاری برای محدود کردن، تدبیر و مدیریت

1. Thomas L. Friedman

بحران‌ها (سام‌بند و قره‌باغ، ۱۳۸۷: ۵۱). روسیه در طول بحران اوکراین، تمامی ظرفیت‌های خود در بخش‌های مختلف از جمله رادیو، تلویزیون، خبرگزاری‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای و پایگاه‌های اینترنتی را به کار گرفت تا مواضع اعلامی و اقدامات خود در این راستا را موجه و مشروع جلوه دهد. بر این اساس رسانه‌ها دو کارویژه که همه در راستای مدیریت بحران روسیه هستند، داشته‌اند. از یک سو به حمایت از اقدامات روسیه و مخالفان شرق اوکراین پرداختند و از سوی دیگر در محکومیت و برجسته‌سازی نقص‌های دولت جدید و به راه‌انداختن جنگ روانی علیه آن تلاش کردند. رسانه‌های روسی به خوبی از روش برجسته‌سازی، شایعه‌پراکنی، نشر یک‌سویه اقدامات و عملیات‌های آمیخته به خشونت نیروهای تحت دستور پرورش‌کنکو در فرایند مدیریت بحران استفاده کردند. برای نمونه خبرگزاری «تاس»^۱ روسیه - که به‌عنوان بلندگویی برای سیاست‌های مسکو انجام وظیفه می‌کند - از زمان شروع تحولات اوکراین تا به امروز، بخش زیادی از اخبار منتشرشده خود را در قالب مقاله‌های کوتاه و بلند، کلیپ‌های صوتی - تصویری و عکس‌های مربوط به فجایع اوکراین به نشان دادن چهره خشن ارتش اوکراین و در مقابل مظلوم نمایانیدن مخالفان شرقی، اختصاص داده است. بررسی محتوای اخبار منتشرشده به وسیله این خبرگزاری به خوبی نشان‌دهنده فعالیت تبلیغاتی در طول بحران است.

در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین مواردی که از شروع بحران تا به امروز انتشار یافته است، اشاره می‌شود. هم‌زمان و بعد از نشست‌های مینسک، این خبرگزاری تبلیغات گسترده‌ای برای نشان دادن چهره مطلوب و مسالمت‌آمیز از روسیه و تحرک‌های دیپلماتیک این کشور انجام داد. از این جهت تلاش می‌کرد تا ضمن نادرست جلوه‌دادن دیدگاه غربی‌ها در قبال روسیه، نشان دهد که کرملین تمام تلاش خود را برای مدیریت بحران از راه کانال‌های دیپلماتیک و چندجانبه به کار بسته است. از سوی دیگر این خبرگزاری آمریکا و متحدان اروپایی‌اش را مسبب اصلی گسترش بحران در اوکراین نشان می‌داد.

نوع دیگر تبلیغات این خبرگزاری نشان‌دادن توان نظامی - دفاعی روسیه برای اعلام هشدار به رقیبانی چون ایالات متحده، ناتو و اتحادیه اروپا بود. بعد از اشغال شبه جزیره کریمه، این خبرگزاری در خبری اعلام کرد، اکنون روسیه تمام هدف‌های ناتو در دریای سیاه و نقاط هم‌جوار را زیر نظر دارد و سیاست‌های تحریک‌کننده ناتو دیگر قابل پذیرش نخواهد بود، اجازه انجام هیچ عملیات و تحرکات خودسرانه و یک‌جانبه‌ای - مانند انقلاب‌های رنگی - بر ضد روسیه و متحدانش داده نخواهد شد. همچنین بر این نکته تأکید کرد که روسیه توان

نظامی خود را در شبه جزیره از راه استقرار سیستم‌های دفاع هوایی پی‌یوام^۱ و سیستم ضد هوایی پانتسیر-اس^۲ ارتقاء خواهد داد (Pavlishak, 2015). مورد بعدی به تلاش‌های خبرگزاری اسپوتنیک^۳ مربوط می‌شود. این خبرگزاری نیز از ابتدای بحران اوکراین، هم‌راستا با سیاست‌های کرملین، کشورهای غربی را بانی اصلی ناآرامی‌های اوکراین معرفی می‌کرد که از راه انجام کودتایی در کی‌یف حکومت ویکتور یانوکوویچ را برانداختند. این خبرگزاری به صورت شبانه‌روزی ناآرامی‌های به‌وجودآمده در اوکراین را زیر نظر داشت. همچنین اشاره به شبکه خبری «روسیه امروز»^۴ به‌عنوان یکی دیگر از اهرم‌های روسیه در جنگ تبلیغاتی در موضوع اوکراین ضروری است. شبکه خبری آرتی به‌عنوان یکی دیگر از بازوهای تبلیغاتی روسیه در بحران اوکراین نقش فراوانی بازی کرد. فعالیت‌های اصلی این شبکه خبری در مورد فاش‌کردن و برجسته‌کردن نقش ناتو، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و متحدان منطقه‌ای آن‌ها، انواع کمک‌های مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی ارائه‌شده به ارتش اوکراین و سرانجام به‌تصویرکشیدن جنایت‌های صورت گرفته در مناطق شرقی و القای آن به مخاطبان بود.

نتیجه

بررسی سیاست‌های امنیتی کشورهای مختلف، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ حاکی از وجود خطوط قرمزی پیرامون امنیت و منافع آن‌هاست. روسیه نیز از این قاعده جدا نیست و خارج نزدیک را به‌عنوان حریم امن و حیات خلوت خود تعریف کرده است. از این نظر هرگونه تحرک ناامن‌کننده را به‌مثابه خدشه به امنیت وجودی فدراسیون روسیه تلقی می‌کند. بحران اوکراین و سپس مدیریت این بحران از سوی روسیه نیز در این زمینه قابل ارزیابی است. کشور اوکراین گلوگاه گسترده بزرگ روسیه به حساب می‌آید که هرگونه خدشه به این قلمرو برای مسکو پس‌لرزه‌های بنیان‌برافکنی در پی خواهد داشت و اثرهای مخرب آن بر مقامات روسیه و دیگر کارشناسان منطقه آشکار است. با این وجود، کم‌توجهی کردن در مورد تحرک‌های ضدروسی در اوکراین به زیان‌های شدیدی برای کرملین منجر خواهد شد. همین مهم سبب شده است که روس‌ها در طول بحران اوکراین خیلی سریع از خود واکنش نشان دهند و مجموعه اقدام‌هایی را برای مدیریت اوضاع در پیش بگیرد. شایان توجه اینکه، رهیافت روسی مدیریت بحران، نشان‌داده که معمولاً نوع مدیریت و فنون انجام آن در بحران‌های به‌وجودآمده در این مناطق، سخت‌افزاری

1. S300 PMU
2. Pantsir-S1
3. Sputnik Agency
4. Russia Today

و از راه زور و قدرت نظامی است. روسیه پس از شروع بحران، در گام اول، به برگزاری مانور و آماده کردن نیروهای ویژه خود اقدام کرد و بعد از فراهم شدن فرصت لازم، با مداخله نظامی قسمتی از خاک اوکراین را به بهانه حمایت از اتباع روس تبار جدا کرد. روسیه این کار را با چنان مهارتی انجام داد که باوجود نقص اصول اولیه حقوق بین الملل با اعتراض جدی سایر دولت‌ها و بازیگران مؤثر در بحران اوکراین روبه‌رو نشد.

روس‌ها سپس برای توسعه منافع خود و مدیریت بحران به حمایت از اقلیت‌های روس‌گرا در شرق اوکراین - که در شرق اوکراین اکثریت برآورد می‌شوند - دست‌زدند و انواع حمایت‌ها از کمک‌های غذایی، دارویی، مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و نظامی گرفته تا فرستادن نیروهای موسوم به ارتش پنهان برای مبارزه با نظامیان اوکراینی را به آنان ارائه داد. با این حال، توجه به ابعاد سخت مدیریت بحران، فدراسیون روسیه را از به‌کارگرفتن راهکار نرم مدیریت بحران باز نداشت. در همین زمینه روسیه از اهرم انرژی برای تنظیم رفتار بازیگران مخالف خود بهره جست. همچنین روسیه در نشست‌های دیپلماتیک برای حل بحران و کاستن از شدت درگیری‌ها در ژنو و مینسک، رویکرد جدیدی به مسائل اوکراین در پیش گرفت که به مدیریت این بحران کمک شایانی کرد. سرانجام نیز تبلیغات رسانه‌ای به کمک سایر رویکردهای به‌کارگرفته شده آمدند و فضای رسانه‌ای تا حدود زیادی در جهت تکمیل رویکردهای مدیریت بحران اوکراین سازماندهی شد. با وجود این، در پایان باید توجه داشت که بحران‌هایی که با درون‌مایه‌های اختلاف‌های نژادی - قومیتی درهم تنیدگی درخور تأملی دارند هنگام پدیدارگشتن برای مدت‌های طولانی به عمر خود ادامه می‌دهند و به خاتمه چنین بحران‌هایی در کوتاه‌مدت چندان امیدی نیست. نکته دیگر اینکه، هیچ مسئله قطعی در مورد آینده وجود ندارد؛ متهمی این مسئله به معنای این نیست که انسان در مقابل این عدم قطعیت‌ها منفعل عمل کند. به این صورت که اندیشمندان و تحلیل‌گران با تحلیل روند و بررسی پیشران‌های مؤثر در پدیده‌های در حال جریان بین‌المللی می‌توانند در مورد آینده نیز اظهار نظر کنند و از میزان ابهام در این عرصه به میزان قابل توجهی بکاهند. بنابراین در مورد بحران اوکراین و الگوی سخت مدیریت این بحران به‌وسیله روسیه باید بیان داشت که روس‌ها این بحران را با هرگونه هزینه‌ای مدیریت خواهند کرد و در صورت نیاز، از به‌راه‌انداختن جنگی سخت نیز هراسی نخواهند داشت. منطق چنین مسئله‌ای نیز مشخص است که در صورت خروج اوکراین از دامنه نفوذ روسیه، اعتبار روسیه از میان خواهد رفت و روس‌ها چنین مسئله‌ای را نمی‌پذیرند.

منابع

الف) فارسی

۱. دهشیار، حسین (۱۳۹۳) (الف)، «سیاست خارجی روسیه در قبال اوکراین: گریزناپذیری بحران»، روابط خارجی، سال ۶، شماره ۱، صص ۱۲۱-۸۳.
۲. دهشیار، حسین (۱۳۹۳) (ب)، «گسل‌های داخلی، تنیدگی‌های تاریخی، منطق ژئوپلیتیک قدرت و رویارویی برای شبه‌جزیره کریمه»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۷۹-۲۰۱.
۳. دیدبان (۱۳۹۲)، «اوکراین را به چه سمتی می‌برند؟»، <https://goo.gl/8yt5PQ>، (تاریخ دسترسی: ۱۳/۷/۱۳۹۴).
۴. سام‌بند، میثم و سیدمحمد قره‌باغ (۱۳۸۷)، «مدیریت رسانه کلیدی‌ترین ابزار برای مدیریت بحران»، پژوهش‌نامه مدیریت بحران رسانه، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۲۵۱-۲۳۴.
۵. صلواتیان، سیاوش و طاهر روشندل اربطانی (۱۳۹۰)، «مدیریت بحران رسانه؛ رویکردی پیشگیرانه»، پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۸، شماره ۲، صص ۱۷۶-۱۴۹.
۶. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۲)، «موازنه راهبردی و سیاست‌گذاری امنیتی روسیه در نظام بین‌الملل»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۴۰-۱۲۱.
۷. مک‌کارتی، شاون پی (۱۳۸۱)، نقش اطلاعات در مدیریت بحران، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان.
۸. میلر، بنجامین (۱۳۷۶)، «الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ در بحران‌های بین‌المللی»، ترجمه قدرت احمدیان، سیاست دفاعی، دوره ۶، شماره ۲۱-۲۰، صص ۳۵-۱.
۹. واعظی، محمود (۱۳۸۹)، «نظام نوین بین‌الملل و مدیریت بحران‌های بین‌المللی»، راهبرد، سال ۱۹، شماره ۵۶، صص ۴۲-۷.

ب) انگلیسی

1. Anton, L. (2014), **The Emergence of Russian Foreign Policy**, Washington D.C.: United State Institute of Peace Press.
2. Baczynska, Gabriela (2015), "Russia's Lavrov says Fighting 'Terrorism' should Unite Syrian Opposition", Available at: <http://www.Reuters.Com/Article/2015/01/28/Us-Syria-Crisis-Russia-Lavrov-Iduskbn0111fr20150128>, (Accessed on: 7/5/2015).
3. Bertalan, Péter (2014), "The Russian-Ukrainian Crisis and behind, Energy Policy in the Mirror of Eurasian Geopolitics", **The Central European Journal of Regional Development and Tourism**, Vol. 6, pp. 1-15.

4. Cecire, Michael (2014), "The Russian Invasion of Ukraine", **Foreign Policy Research Institute**, Available at: https://www.fpri.org/docs/cecire_crimea.pdf, (Accessed on: 5/11/2015).
5. Daalder, Ivo and Others (2015), "Preserving Ukraine's Independence, Resisting Russian Aggression: What the United States and NATO must do", **The Brookings Institution and The Chicago Council on Global Affairs**, The Atlantic Council of the United States, p. 3, Available at: <https://goo.gl/w59bKz>, (Accessed on: 21/10/2015).
6. Deng, Yong (2006), "Reputation and the Security Dilemma: China Reacts to the China Threat Theory", in: Alastair Iain Johnston and Robert Ross (eds.), **Ne Approaches to the Study of China's Foreign Policy**, Stanford, Ca: Stanford University Press.
7. Gregory, Paul Roderick (2015), "Europe and US Finally Declare that Russian-Soldiers are Fighting in Ukraine", **World Affairs**, Available at: <https://www.forbes.com/forbes/welcome>, (Accessed on: 15/10/2015).
8. Grider, Geoffrey (2014), "Cracks now Appearing in Eastern Ukraine as Secession Talk Intensifies", **The Magazine of Record for the Last Days**, Vol. 2, No. 12, pp. 12-23.
9. Kempe, Frederick (2006), "Thinking Global: Russia is Power Play has High Stakes: The West is Urged to Counter Moscow is Bold Energy Plan, Our Core Values are at Risk", **Wall Street Journal**, Vol. 5, No. 6, pp. 45-58.
10. Kostyuchenko, Elena (2015), "Invisible Army: the Story of a Russian Soldier Sent to Fight in Ukraine", **The Guardian**, International Beta, No. 12, pp. 124-140.
11. Lazarenko, Nikolay (2015), "Issue of US Non-Lethal Weapons Supplies to Kiev Settled", **Ukrainian Lawmaker**, Available at: <http://Tass.Ru/En/World/780871>, (Accessed on: 14/10/2015).
12. Norberg, Johan and Fredrik Westerlund (2014), "Russia and Ukraine: Military-Strategic Options, and Possible Risks for Moscow", **Rufs Briefing**, No. 22, pp. 220-239.
13. Pavlishak, Alexey (2015), "Crimea's Increased Defense Capability may Deter NATO Presence in the Black Sea Region", **Tass**, Available at: <http://Tass.Ru/En/Opinions/780602>, (Accessed on: 23/9/2015).
14. Tran, Mark (2015), "Kerry and Lavrov Hold 'Frank Discussions' over Ukraine Ceasefire", Available at: <http://Www.Theguardian.Com/Us-News/2015/Mar/02/Kerry-And-Lavrov-Meet-In-Geneva->, (Accessed on: 1/11/2015).
15. Weaver, Matthew and Alec Luhn (2015), "Ukraine Ceasefire Agreed at Belarus Talks", **The Guardian**, Available at: <https://www.theguardian.com/>

[world/2015/feb/12/ukraine-crisis-reports-emerge-of-agreement-in-minsk-talks](http://www.sid.ir/world/2015/feb/12/ukraine-crisis-reports-emerge-of-agreement-in-minsk-talks),
(Accessed on: 2/11/2015).